

بررسی اثر بخشی تمایل به هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی کارکنان نظامی (مطالعه موردی نظامیان شهر تهران)

یونس کاکاوند^۱

چکیده

با توجه به اهمیت بحث از احساس امنیت روانی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش و ابزار تحقیق پرسشنامه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین تمایل به هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی در بین کارکنان نظامی ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کارکنان نظامی ۱۸ سال به بالای شهر تهران می باشد که تعداد ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزارهای SPSS و معادلات ساختاری Smart PLS استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین تمایل به هویت اجتماعی ($P=0/35$) و شاخص های آن یعنی هویت سیاسی ($P=0/40$)، هویت ملی ($P=0/30$)، هویت فرهنگی ($P=0/36$)، هویت گروهی ($P=0/26$) و هویت دینی ($P=0/38$)، با میزان احساس امنیت روانی کارکنان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان می دهد که تمایل به هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی تأثیر متوسط داشته ($0/45$) و متغیر هویت اجتماعی در مجموع ($0/21$) از واریانس متغیر احساس امنیت روانی را تبیین می کند.

واژه های کلیدی: هویت اجتماعی، احساس امنیت روانی، کارکنان نظامی، شهر تهران

مقدمه و بیان مسئله

بدون شک امنیت و احساس امنیت اجتماعی، یکی از لوازم اصلی حیات هر نظام سیاسی و اجتماعی است. امروزه نقش و اهمیت امنیت اجتماعی در پیشرفت هر جامعه ای تا بدان پایه است که آن را بستر و پیش نیاز هرگونه توسعه دانسته اند. این امر در جوامع در حال توسعه که با انواع بحران ها و چالش های مستمر ناشی از عدم توسعه یافتگی مواجه می باشند نقشی تعیین کننده و قوی خواهد داشت.

امنیت همیشه یکی از مسائل اساسی و حیاتی بشر بوده و مباحث علمی زیادی را به خود اختصاص داده است اما احساس امنیت مهم تر از وجود امنیت است. احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطر پذیر، امنیا وجودی، رفاه اجتماعی و هویت اجتماعی در قرن بیستم وارد مطالعات تجربی شد. بر این اساس ادبیات نظری احساس امنیت فرا تر از ادبیات نظری امنیت، توسعه و گسترش پیدا کرد. با این توسعه ادبیات و مطالعات انجام شده، احساس امنیت به عنوان موضوعی قلمداد میشود که در فضای اجتماعی جامعه با منطق خاص، تولید، حفظ، و باز تولید میشود و بر این مینا برای خود استقلال موضوعیت پیدا کرده است (بیات ۱۳۹۸: ۹)

رشد و شکوفایی استعدادها، خلاقیت و فعالیت های ارزشمند در یک جامعه، بدون وجود امنیت امکان پذیر نخواهد بود. اصولا انسان برای رسیدن به موفقیت در زندگی و رسیدن به اهداف والای انسانی، بعد از برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیکی به امنیت و احساس امنیت اجتماعی نیازمند است. نیاز به امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیکی انسان به عنوان یکی از ساختارهای اساسی و پایه ای تشکیل دهنده شخصیت قلمداد می شود. تا زمانی که فرد در زندگی روزمره خود احساس امنیت نکند هیچ پیشرفتی در ساختار شخصیتی خود نخواهد داشت. در سایه عدم امنیت اجتماعی، سایه ی آسیب های اجتماعی بر هر جامع های سنگینی خواهد کرد و میزان رضایت از زندگی کاهش خواهد یافت و انزوا و افسردگی، جایگزین شادی و نشاط خواهد شد (باپیری و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۶).

مقوله امنیت به موازات پیدایی بشر مطرح بوده و بشر سعی نموده با غلبه بر جبر طبیعت، تاریخ و جامعه به نوعی عرصه را برای بروز و شکوفایی خود فراهم نموده و زمینه را برای اسکان خود و استقرار امنیت فراهم آورد. این تلاش برای امنیت با وجود صورت ها و وجوه مختلف نامنی در کنه و ذات خود یک وجه مشترک داشته که همان تلاش آگاهانه بشر برای رهایی خود از قید و بندها و غل و زنجیرهایی است که مانع رسیدن به غایات انسانی، اخلاقی و مدنی

است. اهتمام بشر برای رهایی از استبداد، استعمار و نابرابری (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۹۵)، تلاش برای اصلاح و بهبود حالت های مرضی و بیمارگونه ناپهنجاری های اجتماعی (آرون، ۱۳۸۶: ۳۷۶) و تلاش برای رضایتمندی و احساس امنیت بخشی از این تلاش هاست.

شاید تا چند دهه ی اخیر متفکران اجتماعی بین امنیت و احساس آن تفاوت چندانی قائل نبودند ولی به واسطه ی تغییر و تحولاتی که پس از جنگ جهانی دوم بر جوامع حاکم گردید مشخص شد که بعد ذهنی امنیت (احساس امنیت) اهمیت غیرقابل انکاری پیدا کرده است، چرا که «این احساس ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی آن است و فقط به شاخص های امنیت قابل تقلیل نیست» (دلاور، ۱۳۹۴: ۵).

احساس امنیت پدیده ای روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می باشد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت های گوناگون آنرا تجربه می کنند. به لحاظ روش شناسی احساس امنیت سازه ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه گیری است (بیات، ۱۳۹۷: ۴). بر این مبنا به نظر می رسد که احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می یابد.

یکی از عوامل اجتماعی که با احساس امنیت روانی افراد در ارتباط است، تمایلات و گرایش های هویتی آنان و به ویژه گرایش به هویت اجتماعی به عنوان هویت انسجام بخش می باشد. اصالت اجتماعی یکی از مولفه های بنیادی شکل گیری و بقاء جامعه ملی و اصلی ترین حلقه ارتباطی با هویت عام قومی است که می تواند مجموعه ای از گرایش ها و نگرش های مثبت را نسبت به عوامل و عناصر و الگوهای هویت بخش و یکپارچه ساز در سطح یک کشور، به عنوان یک واحد سیاسی به وجود آورد (شیخاوندی، ۱۳۹۹: ۱۹۷). هویت ملی بالاترین و فراگیرترین و در حین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی جدا از گرایش های ایدئولوژیکی می باشد (حاجیانی، ۱۳۹۷: ۱۹۷)

هویت اجتماعی در همه حوزه های فرهنگ، سیاست و حتی اقتصاد نقش تعیین کننده دارد و بنابراین بر بسیاری از مؤلفه های زندگی اجتماعی افراد از جمله احساس امنیت آنان تأثیرگذار است. در مطالعات جدید امنیتی هم توجه به هویت در تعریف امنیت، جایگاه ویژه ای باز کرده است و گفته می شود که اگر بخش نرم افزاری جامعه (هویت) با تهدید و خطر مواجه شود،

امنیت روانی جامعه با ایجاد حریم برای جامعه از هویت جامعه پاسداری می نماید (بیات، ۱۳۹۸: ۱۳۶).

یکی از نکات مطرح در خصوص اصالت این است که، اگر جامعه نتواند یک هویت به تعبیر کاستلز (۱۳۸۵) مشروعیت بخش در بین افراد جامعه به وجود بیاورد، هویت های اجتماعی در جامعه «ما» متکثری که در جامعه وجود دارند می توانند بر ضد هم عمل کرده و باعث تهدید شود که نتیجه آن هم کاهش امنیت روانی در جامعه خواهد بود (رجب لو و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۸).

بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی مسئله ای مهم است و توجه به آن دارای اهمیت است. اما انجام پژوهش حاضر در بین کارکنان نظامی شهر تهران اهمیتی مضاعف دارد. در بین کارکنان مذاهب مختلف مانند شیعه، و در صدی سنی (سنی شافعی و سنی حنفی)، رواج دارد. همچنین در این شهر افرادی با قومیت های مختلف و زبانهای گوناگون نظیر زبان فارسی، زبان ترکی، زبان کردی (با چندین لهجه مختلف)، لکی، لری و... صحبت می کنند و حتی در بعضی موارد گرایش های استقلال طلبانه دارند و هویت قومی شان را به هویت اجتماعی ترجیح می دهند؛ بنابراین در این ساختار و جغرافیای مشخص افراد در معرض هویت های مختلف قرار گرفته اند که ممکن است آنها را با بحران هویت مواجه سازد و در نتیجه احساس امنیت روانیشان را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع در بین کارکنان نظامی شهر تهران پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی در شهر تهران ارتباط وجود دارد؟

مبانی نظری

نظریه های احساس امنیت

اگر چه در ظاهر فضای مفهومی امنیت ۲ کاملاً روشن، شفاف و دارای نمودهای عینی بنظر می رسد، اما تعریف مفهومی این اصطلاح کاملاً مناقشه آمیز است (ماندل، ۱۳۹۷- بوزان، ۱۳۹۸). ماندل ۳ معتقد است ارائه تعریفی کامل از امنیت مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و اتحادهاست (ماندل، ۱۳۹۷: ۲۲). برخی نیز معتقدند، امنیت با تعریف مفهوم مخالف آن یعنی ناامنی و بیان شاخص های وضعیت فقدان امنیت نیز قابل درک می باشد (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۴۴).

البته در اینجا باید به تفاوت امنیت و احساس امنیت اشاره کرد. ممکن است در جامعه ای امنیت از نظر انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد، ولی فرد احساس امنیت نکند. در واقع احساس امنیت به عنوان بعد ذهنی و روانی تلقی می شود (گروسی و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱). حالا بعد ذکر از این مقدمه درباره ی تعریف امنیت و احساس امنیت روانی به ذکر بعضی از مهم ترین نظریه های احساس امنیت پرداخته می شود.

آنتونی گیدنز

گیدنز "امنیت" را چنین تعریف می کند: "امنیت" را می توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله شده و یا به کمترین اندازه رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوهه ها و یا مجموعه هایی از آدمها، تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشد، از طرفی عوامل موثری که بر ایجاد احساس امنیت شهروندان تاثیر می گذارد را به صورت های مختلف تبیین می کند، که یکی از آنها اعتماد و احساس امنیت است: گیدنز احساس امنیت را به اعتماد ربط می دهد. به نظر ایشان دو نوع قابلیت اعتماد وجود دارد: یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل به هم دارند صورت می گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده اند و نوع دوم قابلیت اعتمادی هست که در بین افرادی صورت می گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به

هم غریبه هستند یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل به هم دارند صورت می گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده اند و نوع دوم قابلیت اعتمادی هست که در بین افرادی صورت می گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل به هم دارند صورت می گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده اند و نوع دوم قابلیت اعتمادی هست که در بین افرادی صورت می گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند؛ ولی افراد تحت تاثیر نظام های تخصصی و کارشناسی مجبورند به دیگران اعتماد کنند (گیدنز، ۱۱۰: ۱۳۷۷)

مازلو

مازلو تاکید میکند که هریک از نیازهای عاطفی، شناختی و بیانی یک ارزش به شمار می رود، این نکته همانقدر که در مورد عشق به حقیقت یا به یقین صدق میکند، درباره علاقه به ایمنی نیز صادق است. احساس ایمنی نه تنها انگیزه و محرک سودمندی نخواهد بود، بلکه استعداد فرد را در روبه رو شدن و حل کردن مشکلات و خطرات نیز محدود می نماید. نابهنجاری های رفتاری و روانی در انسان هنگامی شروع میشود که احساس نا امنی در وجود او حاکم گردد. این احساس به شیوه های مختلف و مناسبات آنها، سایرین و نحوه ی زندگی مختلف آنها تاثیر میگذارد. (مازلو ۱۹۸۰)

باری بوزان^۴

بوزان برای نخستین بار در کتاب مردم، دولت ها و هراس، مفهوم امنیت اجتماعی را به عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی مطرح می نماید (رل، ۱۹۹۶: ۳؛ بوزان و ویور، ۱۹۹۸: ۴). از نظر بوزان، امنیت روانی زمانی برای فرد مطرح می شود، که فرد خود را به عضو یک گروه اجتماعی به لحاظ روانی بداند (بوزان و ویور، ۱۹۹۸: ۴). وی معتقد است که حوزه ای از حیات که فرد خود را به واسطه ی مفهوم «ما» بدان متعلق می داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می کند مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده های که باعث ایجاد اختلال در احساس

تعلق و همبستگی و احساس و علاقه مثبت اعضاء یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳).

نکته ی دیگر، اینکه بوزان و ویور امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح کرده و اظهار می دارند که تهدیدهای امنیتی در دامنه ای وجود دارند که به طور ذهنی نیز قابل تجربه هستند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۷۷). بوزان، نقطه ی آغازین امنیت را ذهنی و مبتنی بر تصمیم بازیگران معرفی می کند. او بیان می دارد که، مسأله ی امنیت در اجتماع شناخته می شود، زیرا بازیگران می توانند به آن رجوع کنند و برخی پدیده ها را به عنوان تهدید نگاه کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۴).

بوزان و ویور معتقدند که امنیت کاملاً برساخته تصور آدمیانی است که در اجتماع زندگی می کنند. آن ها همچنین عنصر هویت را وارد مطالعه خود می کنند و قائل به توزیع مادی قدرت نیستند و به مؤلفه های فرامادی هم می اندیشند. از نظر آن ها دو واژه حاکمیت و هویت نقش مشترکی را در تعریف «تهدید وجودی» بازی می کنند. برای یک دولت، حاکمیت یک تعریف وجودی است چرا که اگر حاکمیت را از آن جدا کنیم دیگر دولت تعریف نمی شود و شبیه آن در مورد هویت است که اجتماع بدون هویت تعریف وجودی ندارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۳).

آل و بور^۵

ویور مدعی است که باید از رویکردی جامعه شناسانه به امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه شناختی امنیت، به تعریف آن همت گمارد (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). براین اساس، ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می گیرد و خاطرنشان می کند که افراد جامعه نمی توانند نسبت به چیزهایی که امنیت و هویت شان را تهدید میکند احساس مسؤولیت نداشته و آنها را تنها به دولت واگذار نمایند بدین ترتیب، ویور بر لزوم مشارکت افراد در تأمین امنیت اجتماعی خود و جامعه صحنه می گذارد (نبوی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۸). آل ویور امنیت را با تکیه بر هویت اقوام و گروه های اجتماعی توضیح می دهد. از نظر او اگر در یک جامعه اقوام و گروه های اجتماعی نسبت به هویت خویش احساس خطر و تهدید کنند مشکل امنیتی پیش آمده است. از نظر ویور احساس امنیت مبتنی بر موقعیت هایی است که در آن گروه های هویتی مهم جامعه احساس می کنند که هویت آنها

بوسیله مسائل و مشکلاتی چون مهاجرت، واگرایی، تهاجم فرهنگی و ... مورد تهدید قرار نگرفته است. در این حوزه ویور به هویت فرهنگی، تأکید ویژه ای دارد (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

میتار^۶

میتار از مدلی سیستماتیک، مبتنی بر تئوری آنارشی بایلی در بررسی امنیت اجتماعی استفاده می کند. وی مسائل اجتماعی را بر اساس سطوح متفاوت تحلیلی به شش سطح فردی، گروهی، سازمانی، اجتماع، جامعه و نظام فراملی تقسیم می کند و از آنارشی به عنوان ابزار اندازه گیری حالات نظام استفاده می کند. وی در تئوری آنارشی اجتماعی از شش متغیر کلان اجتماعی شامل جمعیت^۷، اطلاعات^۸، فضا، تکنولوژی، سازمان و سطح کیفی امنیت یاد می کند و فرمول زیر که طی آن امنیت تابعی از متغیرهای جمعیتی، اطلاعاتی، فضایی، تکنولوژی و سازمانی است ارائه می کند:

$L = F(P, I, S, T, O)$ بر اساس تابع ارائه شده، می توان گفت هر جامعه ای که در میزان جمعیت، اطلاعات، فضای جغرافیایی، تکنولوژی و سازماندهی از وضعیت بهتری برخوردار باشد، به تبع آن از امنیت اجتماعی بالاتری نیز برخوردار خواهد بود، و بالعکس (میتار، ۱۹۹۶: ۷).

چلبی

در بین جامعه شناسان داخلی، چلبی معتقد است، امنیت یکی از اختیار جمعی است که جامعه برای شهروندان خود و هر آن کس که در آن به سر می برد، فراهم می کند. در بعد عینی، امنیت را می توان به عنوان فراغت از تهدید تعریف کرد. در بعد ذهنی مراد از امنیت، احساس آرامش و یا عدم احساس تهدید و عدم احساس ترس ناشی از آن از سوی محیط های دور و نزدیک فرد است. البته این دو بعد معمولاً با یکدیگر احساس همبستگی قوی دارند، هر چند در تحلیل نهایی، اولی تا حد زیادی تعیین کننده دومی است، با وجود این، درصدی از واریانس متغیر امنیت در بعد ذهنی، متأثر از محیط نرم افزاری جامعه و نحوه اطلاع رسانی و مضامین آن است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۷).

Mitar .^۶

. Population ^۷

. Information ^۸

بر این اساس می توان گفت، احساس امنیت اجتماعی به فقدان هراس از تهدید شدن یا به مخاطره افتادن ویژگی های اساسی و ارزش های انسانی و نبود ترس از تهدید حقوق و آزادی های مشروع گفته می شود (افشار، ۱۳۸۵: ۶۱).

نظریه های هویت اجتماعی

امیل دورکیم^۹

پس از تقسیم جوامع به ابتدایی ساده و صنعتی پیچیده موضوع پیدایش تقسیم کار و رواج تخصص و رشد هویت فردی را مطرح می نماید و در کنار این پدیده ها از پیدایش نوعی همبستگی که وی آن را همبستگی ارگانیکی در مقابل همبستگی مکانیکی یاد می کند، این نوع همبستگی در نظر وی موجب نوعی یگانگی اجتماعی ناشی از تفاوت پذیری است. وی در لابلای این نوع یگانگی به وجود آمده، به دنبال یک نوع وفاق اخلاقی است، وفاقی که فرد را نسبت به جامعه یا دولت وفادار سازد (علاقه بند، ۱۳۷۲: ۴۱؛ به نقل از صباغ و شالفروش شتربانی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳). لذا در چنین جامعه ای سطح هویت جمعی اعتلاء می یابد.

ماکس وبر^{۱۰}

وبر در تیپولوژی جریان سلطه و اقتدار در طول تاریخ جوامع، پس از بیان ویژگی های دوره کاریزماتیک و سنتی و عقلانی و سازمان اجتماعی متناسب با آن، از سه نوع شخصیت اجتماعی: فره مند، فرهیخته و خبره یا متخصص که با سه نوع اقتدار موصوف قابل انطباق اند بحث می نماید. وی پس از مقایسه این دو جامعه به رشد عقلانیت ابزاری و کنش های عقلانی مبتنی بر ضوابط عام و اعتلای سطح هویت جمعی اشاره می کند. وبر ویژگی منحصر به فرد دنیای نوین را رشد فزاینده ی عقلانیت به خصوص عقلانیت ابزاری می داند که به تبع آن هویت ها نیز اعتلا می یابند و از حالت سنتی و عاطفی به هویت های عقلایی تبدیل می شود (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۳).

کاستلز^{۱۱}

Emile Durkheim.^۹

Max Weber.^{۱۰}

. Castells^{۱۱}

هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است [...] اصطلاح هویت در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی بر اساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شوند. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. با این حال ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند، اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی سازی بیافرینند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

کاستلز معتقد است که ساختن اجتماعی هویت همواره در بستر روابط قدرت صورت می‌پذیرد و بین سه صورت و منشأ هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت، هویت برنامه دار (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۲).

گیبرنا^{۱۲}

از نظر گیبرنا هویت ملی عبارتست از ویژگی‌هایی که ابعاد پنج گانه ملت در هر جامعه‌ی خاص به خود می‌گیرد. مثلاً، بعد روانشناختی مخصوص یک ملت، فرهنگ و آداب و رسوم متمایز از فرهنگ ملل دیگر، سرزمین و قلمرو مخصوص یک ملت و نظام سیاسی و اتفاقات تاریخی یک ملت که هویت ملی آن ملت را تشکیل می‌دهند (گیبرنا، ۱۳۷۸: ۸۱).

آنتونی اسمیت^{۱۳}

آنتونی اسمیت که از نظریه پردازان برجسته ناسیونالیسم و قومیت می‌باشد با بررسی نقادانه نظریات موجود در این زمینه معتقد است که: ناسیونالیسم شکلی از یک ایدئولوژی، زبان، اسطوره، نماد پردازی و آگاهی است که چهار هدف را دنبال می‌کند. این اهداف عبارتند از: «تبدیل کردن یک گروه قومی منفعل به یک اجتماع قومی سیاسی فعال، تبدیل اجتماع به یک ملت یک دست از لحاظ فرهنگی، سازمان دهی فرهنگ اجتماع و ایجاد یک فرهنگ رسمی استاندارد، تصرف یک سرزمین و یا حتی یک دولت برای آن ملت» (اسمیت، ۱۹۹۱؛ به نقل از محمد بخش و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳). او با وجود آن که ابعاد و شاخصه‌هایی را برای هویت ملی

۱۲. guibernau.

۱۳. Anthony Smith.

ارائه می دهد ولی خودش نیز معتقد است که هویت ملی یک روند ذهنی است و همگام با گذر زمان احتمال این که تغییر بکند بسیار است (محمد بخش و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳).

آنتونی گیدنز^{۱۴}

به نظر گیدنز هویت عبارت است از خود آنطوری که شخص از خودش تعریف می کند. انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می دهد؛ هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده ی پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می باشد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۱)؛ وی می گوید «نیروی اساسی اغلب کنش ها (در جامعه جدید) مجموعه ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است» به اعتقاد او، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش نیاز به رسیدن به امنیت هستی شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسانها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرایند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان آموزی و آگاهی قطعی بوجود می آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست (ایمان و کیزقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

گیدنز در تحلیل خود از هوست ملی، به پدیده جهانی شدن می پردازد و معتقد است که وی جهانی شدن به اضمحلال فرهنگ های بومی و قومی نمی انجامد بلکه برعکس به دلیل کاهش قدرت دولت های ملی و کنترل آنها بر فرهنگ های محلی، هویت های فرهنگی محلی و بومی جدیدی شکل می گیرد. گیدنز گفته است که گاهی برای نشان دادن هویت خاصی، بدن و اعمال خود را جوری تنظیم می کنیم و کنش هایی انجام می دهیم که تفسیر آنها در نظر دیگران، آن طوری که ما می خواهیم باشد. در دنیای مدرن، این رفتارها و کنش ها تحت تأثیر محیطی است که در آن قرار می گیریم و باید این آمادگی را داشته باشیم که رفتار و کنش های خود را با محیط سازگار کنیم (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۴). در واقع گیدنز بین هویت واقعی و هویتی که فرد از خود نشان می دهد تفاوت قائل می شود. همچنین آنتونی گیدنز می گوید: «هویت، منبع معنا برای کنشگران است. انسان با احساس عدم هویت، احساس عدم امنیت هم خواهد داشت. احساس امنیت برای آدمی به قدری ضرورت دارد که برای تأمین آن، چه بسا حاضر باشد به آزادی هم پشت پا بزند» (علیخانی، ۱۳۸۶: ۴۲). گیدنز هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً بطور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش های تطمیع کننده نهادهای امروزمین مورد تنظیم و تجربه قرار داد (ایمان و کیزقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

پیر بوردیو^{۱۵}

بوردیو با نقد دیدگاههای تقلیل‌گرایانه، کنش یا کردار انسان را با ترکیبی از عوامل سطح خرد و کلان تبیین می‌کند. وی، در سطح کلان به ساختارها یا حوزه‌های تعاملاتی اشاره دارد که هرکس بر حسب میزان سرمایه کلی (مجموع دو نوع سرمایه اقتصادی و فرهنگی) و بر اساس ساختار سرمایه (برحسب وزن نسبی انواع مختلف سرمایه اقتصادی و فرهنگی که در مجموع کل دارایی دارد)، در میدان اجتماعی توزیع و جایگاه و پایگاه اجتماعی پیدا می‌کند و در جوار کسانی جای می‌گیرد که از لحاظ سرمایه کلی با او مشابه هستند. افراد دارای پایگاه مشابه و تعاملات مشترک از عادت‌واره و الگوی کنشی نسبتاً همسو و هماهنگی برخوردارند. بوردیو، در خلال بحث از عادت‌واره و تفکیک و تقسیم‌بندی آن به عادت‌واره فردی و طبقه‌ای، موضوع هویت فردی و جمعی (مانند هویت اجتماعی) را نیز مورد توجه قرار داده است. عادت-واره فردی، از فردیت ارگانیک و ادراکات بلافصل شخص و هویت فردی جدایی ناپذیر است و عادت‌واره طبقه‌ای که از موقعیت اجتماعی - اقتصادی و جایگاه عاملان اجتماعی در ساختارها و میدان‌های تعاملاتی نشأت می‌گیرد، هویت‌های جمعی مشترک را پدید می‌آورد. عادت‌واره طبقه‌ای، در سبک زندگی افراد متعلق به گروهها و طبقات مختلف به گونه‌ای نمود می‌یابد که از سائقه غذایی تا سلاخی زیبایی‌شناختی و نگرش‌های سیاسی آنها را جهت می‌بخشد (بوردیو، ۱۹۸۴، به نقل از عبدالهی و قادرزاده، ۱۳۸۸: ۷).

تاجفل^{۱۶}

تاجفل هویت را عبارت از یک «خود» مفهومی ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و هم چنین موجب می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی وابسته به گروه خود، معرفی کند. بر طبق دیدگاه تاجفل آن بخشی از هویت ما که نشأت گرفته از گروهی است که به آن تعلق داریم (درون گروه) و به وسیله مقایسه و ترجیح افراد گروه خود نسبت به کسانی که در خارج از گروه هستند (برون گروه) شکل می‌گیرد. در مواقعی که هویت فرد رضایت بخش نیست، افراد سعی خواهند کرد که یا گروه فعلی خود را ترک کرده و به گروه دیگری که در وضعیت مثبت‌تری قرار دارد ملحق شوند و یا این که در وضعیت گروه خود بهبود

^{۱۵} Pierre Bourdieu .

^{۱۶} Tajfl .

حاصل کنند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۲۶). در واقع «خود» نسبت به محیط واکنش نشان می‌دهد، در یک وضعیت ممکن است که ملیت در درجه اول اهمیت باشد اما در وضعیت دیگر ممکن است قومیت یا نژاد مورد توجه باشد یا در وضعیت دیگر دین مطرح باشد. بنابراین مفهوم «خود» از این هویت‌ها شکل می‌گیرد و همواره متناسب با شرایط و موقعیت‌ها تغییر می‌یابد (صبغ و شالفروش شتربانی، ۱۳۸۹: ۷۸ - ۷۷).

ریچارد جنکینز^{۱۷}

جنکینز معتقد است هویت دستاوردی عملی، یعنی یک فرایند است که می‌توان آن را با به کار گرفتن کنش متقابل درونی و برونی فهم کرد. از نظر جنکینز هویت‌های اولیه مانند - خویشتنی، انسان بودن، جنسیت، خویشاوندی و قومیت و..... در قیاس با سایر هویت‌های جمعی از استحکام بیشتری برخوردار هستند، همچنین گروه خویشاوندی منبعی آشکار برای هویت کنشگر اجتماعی است که از استحکام بالایی برخوردار است. زمان و مکان نیز به عنوان منابع ساخته شدن هویت در صحنه‌ی اجتماع دارای اهمیت کانونی هستند، چرا که شناسایی یک چیز به معنای آن است که آن را در زمان و مکان جای دهیم. نهادها به عنوان الگوهای جاافتاده عمل و همچنین سازمان‌ها به عنوان نمود رده بندی‌های اجتماعی، از جمله حیطه‌های مهمی هستند که در چارچوب آنها تعیین هویت اهمیت پیدا می‌کند. هویت‌های اجتماعی توسط اشخاص کسب و مطالبه می‌شوند و در چارچوب مناسبت‌های قدرت به آنها تخصیص داده می‌شوند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۲-۳۶).

جنکینز معتقد است که اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت افراد داشته و به آنان امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس - که آن هم از اعتماد بنیادی سرچشمه می‌گیرد - امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به نوعی از امنیت وجودی و خوش بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند (جنکینز، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۰).

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریه‌های مختلفی به عنوان مبانی نظری استفاده شده است. اما از این نظریه‌ها تنها تعدادی از آنها مبنای استخراج فرضیه‌ها هستند که چارچوب نظری را

تشکیل می دهند. نظریه های بوزان و آل ویور، جنکینز، گیدنز و آل ویور مبنای استخراج فرضیه ها می باشند.

بوزان و ویور معتقدند که امنیت کاملاً برساخته تصور آدمیان است آن ها همچنین عنصر هویت را وارد مطالعه خود می کنند و قائل به توزیع مادی قدرت نیستند و به مؤلفه های فرامادی هم می اندیشند. از نظر آن ها دو واژه حاکمیت و هویت نقش مشترکی را در تعریف «تهدید وجودی» بازی می کنند. برای یک دولت، حاکمیت یک تعریف وجودی است چرا که اگر حاکمیت را از آن جدا کنیم دیگر دولت تعریف نمی شود و شبیه آن در مورد هویت است که اجتماع بدون هویت تعریف وجودی ندارد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۳).

گیدنز می گوید: «هویت، منبع معنا برای کنشگران است. انسان با احساس عدم هویت، احساس عدم امنیت هم خواهد داشت. احساس امنیت برای آدمی به قدری ضرورت دارد که برای تأمین آن، چه بسا حاضر باشد به آزادی هم پشت پا بزند» (علیخانی، ۱۳۸۶: ۴۲). گیدنز هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً بطور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش های تطمیع کننده نهادهای امروزین مورد تنظیم و تجربه قرار داد (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲: ۸۷).

جنکینز معتقد است که اعتماد بنیادین، نقش مهمی در نحوه تشکیل هویت افراد داشته و به آنان امکان می دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی، با تکیه بر شاخص اعتماد به نفس - که آن هم از اعتماد بنیادی سرچشمه می گیرد - امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و به نوعی از امنیت وجودی و خوش بینی و اعتماد نسبت به دیگران دست یابند.

آل ویور امنیت را با تکیه بر هویت اقوام و گروه های اجتماعی توضیح می دهد. از نظر او اگر در یک جامعه اقوام و گروه های اجتماعی نسبت به هویت خویش احساس خطر و تهدید کنند مشکل امنیتی پیش آمده است. از نظر ویور احساس امنیت مبتنی بر موقعیت هایی است که در آن گروه های هویتی مهم جامعه احساس می کنند که هویت آنها بوسیله مسائل و مشکلاتی چون مهاجرت، واگرایی، تهاجم فرهنگی و ... مورد تهدید قرار نگرفته است. (نوبدینیا، ۱۳۸۸: ۱۳۷). بنابراین از نظریه های فوق این فرضیه ی اصلی استخراج می شود که: بین گرایش به هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

بین گرایش به هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

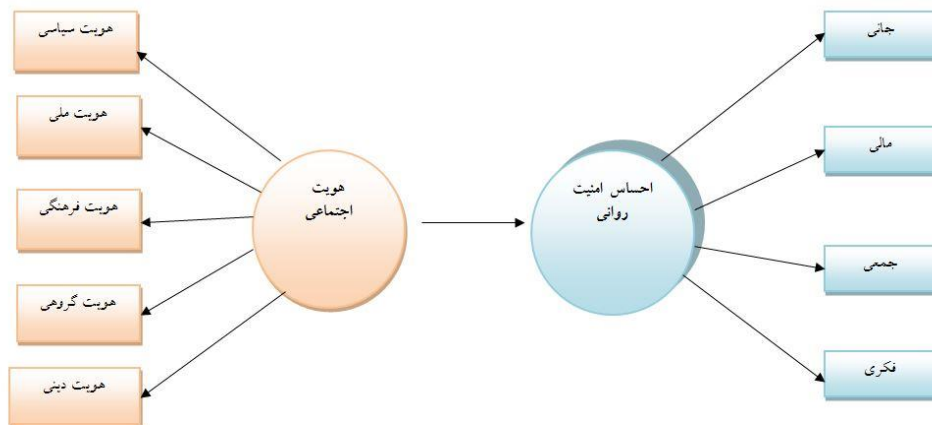
بین هویت سیاسی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

بین هویت ملی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

بین هویت فرهنگی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

بین هویت گروهی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

بین هویت دینی و احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر که با هدف بررسی ارتباط بین گرایش هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی در شهر تهران می باشد، از نظر نوع هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی می باشد.

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مورد بررسی و ورود به آن مطالعه ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش پیمایش می باشد. در مطالعه میدانی، برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

جامعه آماری این مطالعه کلیه ی کارکنان نظامی ۱۸ سال به بالای شهر تهران می باشد که تعداد آنها حدود ۸۰۰ هزار نفر می باشد. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه ی نمونه گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 800000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{800000} \left(\frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله ای با استفاده از نمونه گیری خوشه ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. پس از گردآوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست های آماری متناسب با هر فرضیه بکار گرفته شد.

در این رابطه جهت اطمینان از اعتبار لازم به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می باشد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرون باخ

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
هویت اجتماعی	هویت سیاسی	۰/۸۵۲
	هویت دینی	۰/۷۹۳
	هویت فرهنگی	۰/۸۴۲
	هویت گروهی	۰/۷۲۱
	هویت ملی	۰/۷۲۵
احساس امنیت روانی	جانی	۰/۸۲۵
	مالی	۰/۸۱۴
	جمعی	۰/۷۱۲
	فکری	۰/۷۴۶

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

احساس امنیت روانی

تعریف مفهومی: احساس امنیت پدیده ای روان شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می باشد. این احساس ناشی از تجربه های مستقیم و غیر مستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت های گوناگون آنرا تجربه می کنند. به

لحاظ روش شناسی احساس امنیت سازه ای چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف نیز قابل سنجش و اندازه گیری است (بیات، ۱۳۸۷: ۴).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر احساس امنیت روانی با شاخص های احساس امنیت جانی، مالی، جمعی و فکری مورد بررسی قرار گرفته شده است.

هویت اجتماعی

تعریف مفهومی: هویت اجتماعی نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می دهد (رزازی فر، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

تعریف عملیاتی: در پژوهش حاضر هویت ملی با شاخص های هویت سیاسی، هویت ملی، هویت فرهنگی، هویت گروهی و هویت دینی مورد بررسی قرار گرفته شده است.

یافته ها آمار توصیفی

نتایج فراوانی متغیر جنس نشان می دهد که ۵۵/۲۵ درصد افراد مورد مطالعه مرد و ۴۴/۷۵ درصد دیگر را زن تشکیل داده اند.

نتایج فراوانی متغیر تحصیلات نیز نشان می دهد که میزان ۰/۲۵ از پاسخگویان دارای سواد زیر دیپلم و دیپلم، ۰/۲۷ پاسخگویان دارای مدرک کاردانی، ۰/۳۸ پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی و ۰/۱۰ پاسخگویان نیز دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر می باشند.

همچنین نتایج فراوانی متغیر سن نشان می دهد که ۰/۱۸ پاسخگویان ۱۸ تا ۲۰ سال، ۰/۲۳ پاسخگویان ۲۵ تا ۲۹ سال، ۰/۱۸ پاسخگویان ۳۰ تا ۳۵ سال، ۰/۱۴ پاسخگویان ۳۵ تا ۴۰ سال، ۰/۱۵ پاسخگویان ۴۰ تا ۴۹ سال، ۰/۹ پاسخگویان ۵۰ تا ۶۰ سال و ۰/۳ پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

بر اساس یافته ها در بین شاخص های هویت اجتماعی، هویت گروهی دارای بیشترین میانگین (۳/۴۸) و هویت فرهنگی دارای کمترین میانگین (۲/۸۹) می باشد. همچنین میزان گرایش به هویت سیاسی (۳/۲۰)، هویت دینی (۳/۲۸) و هویت ملی (۳/۱۴) می باشد.

بر اساس یافته ها در بین شاخص های احساس امنیت روانی، احساس امنیت جمعی دارای بیشترین میانگین (۳/۵۴) و احساس امنیت مالی دارای کمترین میانگین (۲/۷۹) می باشد.

همچنین میزان گرایش به احساس امنیت جانی (۳/۳۶) و احساس امنیت فکری (۳/۲۴) می باشد.

آمار استنباطی

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف به قرار زیر استفاده می شود.

H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند

H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند

جدول ۲. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای

پژوهش

احساس امنیت روانی	هویت سرزمینی	هویت تاریخی	هویت فرهنگی	هویت دینی	هویت سیاسی	خرده مقیاس‌ها	
						شاخص‌ها	
۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد	
۳/۲۳	۳/۱۴	۳/۴۸	۲/۸۹	۳/۲۸	۳/۲۰	میانگین	پارامترهای نرمال
۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۸۹	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۹	انحراف معیار	
۲/۲۴	۳/۲۴	۳/۲۵	۲/۹۶	۲/۷۱	۲/۸۷	مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	
۰/۰۹	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۰۹۱	سطح معناداری (دو دامنه)	

با توجه به جدول شماره ۱ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰.۰۵ می باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمونهای پارامتریک را بکار گرفت.

آزمون فرضیه ها

- بین گرایش به هویت اجتماعی و ابعاد آن (سیاسی، ملی، فرهنگی، گروهی و دینی) با احساس امنیت روانی ارتباط معنادار وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف گرایش به هویت اجتماعی (سیاسی، ملی، فرهنگی، گروهی و دینی) با احساس امنیت روانی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته ها به شرح جدول زیر می باشد.

جدول ۳. همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

احساس امنیت روانی		نام متغیر	
سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص ها	
۰/۰۰۰	۰/۴۰	هویت سیاسی	گرایش به هویت ملی
۰/۰۰۰	۰/۳۰	هویت ملی	
۰/۰۰۰	۰/۳۶	هویت فرهنگی	
۰/۰۰۱	۰/۲۶	هویت گروهی	
۰/۰۰۳	۰/۳۸	هویت دینی	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	میزان کل هویت ملی	

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد هویت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با احساس امنیت روانی در شهر تهران رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت سیاسی و احساس امنیت روانی ($P=0/40$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت گروهی و احساس امنیت روانی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/26$) می باشند.

همچنین رابطه بین هویت دینی ($P=0/38$)، هویت فرهنگی ($P=0/36$) و هویت ملی ($P=0/30$) با احساس امنیت روانی از دیدگاه کارکنان نظامی شهر تهران دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به

هویت اجتماعی ($P=0/35$) و شاخص های آن در بین شهروندان بیشتر باشد میزان احساس امنیت روانی بیشتر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند.

مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف گرایش به هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی کارکنان نظامی شهر تهران از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل های معادله ساختاری پژوهش پرداخته می شود. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده های تجربی در مجموع حمایت کنندهی مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

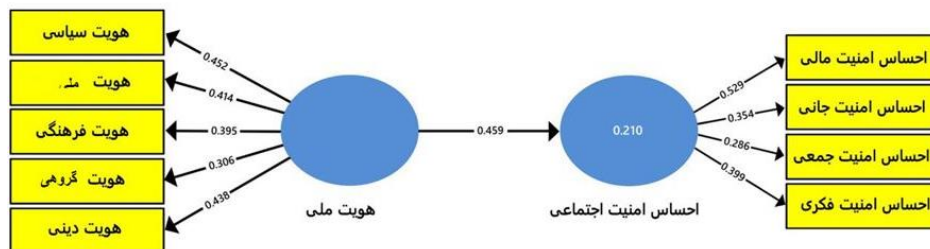
مدل سازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر AMOS، LISREL و EQS) فاقد شاخص های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده های گردآوری شده می باشد، این امر به ماهیت پیش بین محور PLS بستگی دارد. بنابراین شاخص های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش بینی متغیرهای وابسته می شوند؛ مانند شاخص های افزونگی^{۱۸} و حشو^{۱۹} یا شاخص GOF می باشد. در واقع این شاخص ها نشان می دهند که برای مدل اندازه گیری معرف ها تا چه حد توانائی پیش بینی سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برونزا تا چه حد و با چه کیفیتی توانائی پیش بینی متغیرهای درونزا مدل را دارند.

برآوردهای مربوط به شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر گرایش به هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی

Commuality. ^{۱۸}

Redundancy. ^{۱۹}



جدول ۴. برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۸۰/۰	۰۸۵/۰	۹۲/۰

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برآزش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵. برآورد اثر متغیر هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی

متغیر مستقل	مسدود	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
هویت اجتماعی	<---	احساس امنیت روانی	۲۱۰/۰	۴۵۹/۰	۱/۲	۰۰۱/۰

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر هویت اجتماعی در مجموع ۰/۴۵ از واریانس متغیر احساس امنیت روانی را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۱) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر هویت اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر احساس امنیت روانی شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر هویت اجتماعی بر متغیر احساس امنیت روانی تأثیر دارد، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می توان

گفت اثر متغیر هویت اجتماعی بر متغیر احساس امنیت روانی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان هویت اجتماعی می تواند در حد متوسط منجر به تقویت احساس امنیت روانی شهروندان گردد.

نتیجه گیری

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش ارتباط مثبت، مستقیم و معناداری وجود دارد. در این میان رابطه بین هویت سیاسی و احساس امنیت روانی ($P=0/40$) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین هویت گروهی و احساس امنیت روانی دارای کمترین ضریب همبستگی ($P=0/26$) می باشند.

همچنین رابطه بین هویت دینی ($P=0/38$)، هویت فرهنگی ($P=0/36$) و هویت ملی ($P=0/30$) با احساس امنیت روانی از دیدگاه کارکنان نظامی شهر تهران دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان گرایش به هویت اجتماعی ($P=0/35$) و شاخص های آن در بین شهروندان بیشتر باشد میزان احساس امنیت روانی بیشتر می شود.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری Smart PLS نیز نشان می دهد که هویت اجتماعی بر احساس امنیت روانی تاثیر متوسط داشته ($0/45$) و متغیر هویت اجتماعی در مجموع $0/21$ از واریانس متغیر احساس امنیت روانی را تبیین می کند.

یافته های پژوهش حاضر مبنی بر ارتباط بین هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی با تئوری های بوزان، آل ویور، جنکینز و گیدنز همخوانی دارد. هرکدام از نظریه پردازان فوق در نظریه های خود نشان دادند که هویت باعث افزایش احساس امنیت روانی افراد می شود که تأیید کننده ی نتایج این پژوهش است.

همچنین یافته های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش های محمدی و دیگران (۱۳۹۳)، رحمتی (۱۳۸۹)، نبوی و دیگران (۱۳۸۷) و صالح (۲۰۱۰) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در پژوهش های خود به این نتیجه رسیدند که هویت باعث تقویت احساس امنیت روانی می شود.

بنابراین مشاهده می شود که هویت اجتماعی در شهر تهران یکی از منابع مهم افزایش احساس امنیت روانی است و با افزایش هویت اجتماعی در ابعاد مختلف میزان احساس امنیت

روانی افزایش پیدا می کند. مسئله ای که باید مسئولان و دست اندرکاران در شهر تهران مورد توجه قرار دهند. با توجه به اینکه در شهر تهران اقوام و مذاهب مختلفی زندگی می کنند، بنابراین داشتن هویت مشترک می توان به مانند یک زبان مشترک ایجاد کننده ی اعتماد، انسجام و مشارکت در میان مردم باشد و در نتیجه احساس امنیت روانی که یک امر ذهنی هست را ایجاد کند.

بنابراین تقویت ابعاد مختلف یکی از مهم ترین انواع هویت جمعی یعنی هویت اجتماعی ، در شهر تهران می تواند بر گرایش های قومیتی افراد تأثیر گذار باشد و در نتیجه افراد منافع قومی و همچنین فرقه ای را فدای منافع اجتماعی کنند. در این صورت وفاق اجتماعی و احساس نزدیکی حاصل از هویت مشترک نه تنها امنیت روانی را از لحاظ عینی بلکه احساس امنیت روانی از لحاظ ذهنی را نیز پدید می آورد.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۸۶). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.
- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۶). *تأملی بر مبانی و فرهنگ کپنهاگ*. فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۱. شماره ۲.
- افشار، زین‌العابدین. (۱۳۸۵). *بررسی امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- ایمان، محمد تقی. کیزقان، طاهره. (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر شیراز)*. فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم، شماره ۴۴ و ۴۵. زمستان ۸۱ و بهار ۸۲.
- باپیری، امیدعلی، کمربگی، خلیل و درویشی، فرزاد. (۱۳۹۴). *بررسی میزان احساس امنیت روانی و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی استان ایلام)*. فرهنگ ایلام، دوره شانزدهم، شماره ۴۶ و ۴۷، بهار و تابستان.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). *تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی*. نامه علوم اجتماعی. شماره ۳۵.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی عملکرد پلیس و بروز جرایم)*. انتظام اجتماعی، سال اول، شماره ۱.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی احساس امنیت*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴). *ساخت و هنجاریابی شاخص‌های احساس امنیت روانی در تهران*. مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- رزازی‌فر، افسر. (۱۳۷۹). *الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران*. فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.

- رجب لو، علی؛ کمالی، افسانه و رازکردانی شراهی، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه هویت اجتماعی و احساس امنیت روانی در میان شهروندان بالاتر از ۱۸ سال شهر تهران. مجله جامعه شناسی ایران. دوره شانزدهم، شماره ۴، زمستان.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش. تهران، نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت اجتماعی. تهران. تهران: وزارت کشور.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی در ایران و طرح چند فرضیه. فصلنامه مطالعات ملی. سال دوم. شماره ۵.
- حق پناه، جعفر. (۱۳۷۷). جامعه مدنی و قومیت ها در جامعه مدنی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. پیش شماره دوم.
- شیخوندی، داور. (۱۳۸۰). ناسیونالیسم و هویت ایرانی. تهران: مرکز بازشناسی اسلامی و ایرانی.
- صباغ، صمد و شالفروش شتربانی، آرزو. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد هویتی (جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن. مطالعات جامعه شناسی، دوره ۱، شماره ۱، زمستان.
- صالحی امیری، سیدرضا؛ قدمی، محسن و براتلو فاطمه. (۱۳۹۳). ارائه الگوی مدیریتی امنیت فرهنگی - اجتماعی بر اساس عناصر هویت در ایران. مدیریت فرهنگی، دوره ۸، شماره ۲۳.
- عبدالهی، محمد و قادرزاده، امید. (۱۳۸۸). هویت جمعی غالب کردها در کشور های ایران و عراق. نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۳۶.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۶). هویت فرهنگی ایرانیان و عقب ماندگی، یک بررسی علی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات جهاد دانشگاهی، سازمان انتشارات دانشگاهی.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای). ترجمه‌ی احد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان، ویراسته‌ی علی پایا، تهران: انتشارات طرح نو.

- گروسی، سعیده؛ میرزایی، جلال و شاهرخی، احسان. (۱۳۸۶). **بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و احساس امنیت**، (مطالعه موردی جیرفت). فصلنامه دانش انتظامی. سال نهم. شماره ۲.
- گیرنا، مونتسرات. (۱۳۷۸). **مکاتب ناسیونالیسم و دولت - ملت در قرن بیستم**. ترجمه امیرمسعود اجتهادی. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). **تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹). **چهره متغیر امنیت روانی**. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدبخش، بهمن؛ حبی، اکرم و فردین، قریشی. (۱۳۹۰). **جهانی شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز**. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۳.
- محمدی، جمال؛ حسنی نژاد، اردلان و اصلولو، علی. (۱۳۹۳). **تأثیر هویت محلات بر احساس امنیت شهروندان**. پژوهش های اطلاعاتی و جنایی: بهار، دوره ۹، شماره ۱ (مسلسل ۳۳).
- مستوفی، اکرم. (۱۳۹۲). **بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران**. پلیس زن، دوره ۷، شماره ۱۹.
- مک کین لای، آردی؛ لیتل، آر. (۱۳۸۰). **امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه ها**. ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی حسین و حسینی، سیده هاجر. (۱۳۸۹). **بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر امنیت روانی**. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی. سال ۲۱، شماره ۴، زمستان.
- نبوی، سید عبدالحسین؛ حسین زاده، علی و حسین حسینی، هاجر. (۱۳۸۷). **بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی**. فصلنامه دانش انتظامی: تابستان، دوره ۱۰، شماره ۲.
- نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۸). **چشم انداز پلیس؛ امنیت و سرمایه اجتماعی**. مطالعات راهبردی. دوره ۱۲، شماره ۴۴.

- Amber, Haque. (2005). "Preserving Cultural Identity in the 21st Century: Challenges to the Emirati Youth", Department of Psychology, UAE University.
- Buzan, Barry; Weaver, Ole (1998). "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan", Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Buzan, Barry (2000), "Security Studies", Beyond Strategy.
- Karakus, O.F. , McGarrell, E and Basibuyuk, O (2010). "Fear of crime among citizens of Turkey", Journal of criminal justice, 38 retrieved from: www.science direct.com.
- Mitar, Miran (1996). "assessment of societal security in recent past and today", college of police and security studies, Slovenia.
- Panik, Branka (2009). "Societal Security - Security and Identity", Western Balkans Security Observer, No. 13, p.p. 29-38.
- Pearson, Amber L. and Gregory D. Breetzke, (2013). The Association Between the Fear of Crime, and Mental and Physical Wellbeing in New Zealand, DOI 10.1007/s11205- 013- 0489- 2.
- Role. Paul (1996). "The societal security dilemma Copenhagen peace research institute" (COPRI) Working papers.
- Saleh, Alam (2010) "Broadening the Concept of Security: Identity and Societal Security", *Geopolitics Quarterly*, Volume: 6, No 4, p.p. 228-241.

Investigating the partial effect on social identity and sense of psychological security in Tehran

Yunes Kakavand

Abstract

Regarding the discussion of the feeling of psychological security, the present study seeks to answer the main question of whether there is a relationship between social quality and the feeling of psychological security by using the field method, survey technique and questionnaire research tool. has it? The statistical population of researchers present in the hospital is 18 years and above in Tehran city, of which 384 people have been examined as the sample size. SPSS and Smart PLS structural software were also used for data analysis. The results of the research indicate that there is a significant difference between social identity ($P=0.37$) and its indicators, namely political identity ($P=0.40$) national identity ($P=0.30$) cultural identity ($P=0.36$), identity ($P=0.36$). ($P=0.26$) and religious identity ($P=0.38$), there is a positive, direct and significant relationship with the level of psychological security. Therefore, the hypotheses are researched. Also, the results of the structural equation model (Smart PLS) also show that it can have a moderate effect on social identity for the feeling of psychological security (0.45) and the social identity variable in total (0.21) from the variance of the sense of security variable. mental explains

Keywords: social identity, sense of psychological security, military personnel, Tehran city.